

پیش در آمدی نظری بر نقد تاریخ نگاری درباره‌ی زنان

با نگاهی به آثار تاریخ نگاران درباره‌ی
زنان در ایران

سارا موسوی

با مقدمه‌ی

دکتر داریوش رحمانیان



نشر گل آذین

تأسیس ۱۳۷۷

پیش‌درآمدی نظری بر نقد تاریخ‌نگاری درباره‌ی زنان

نگاهی به آثار تاریخ‌نگارانه درباره‌ی زنان در ایران

موسوی، سارا، (۱۳۶۴ -)

تهران: گل‌آذین، ۱۴۰۰. ۳۲۰ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۵۲-۶۲-۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیا

کتابنامه. منابع. فهرست‌ها

تاریخ‌نگاری - تاریخ‌نگاری درباره‌ی زنان - تاریخ‌جنسیت

تبارشناسی - تاریخ ایران - نقد و تفسیر

Historiography - Historiography on women - History of gender
Genealogy - History of Iran - Criticism and interpretation

رده بندی کنگره: ۲/۱۷۳۵HQ

رده بندی دیویی: ۴۲۰۹۵۵/۳۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۴۶۱۸۱



دشدرگل آذین

پیش در آمدی نظری بر نقد تاریخ نگاری درباره‌ی زنان

مباحثی به آثار تاریخ نگارانه درباره‌ی زنان در ایران

سارا موسوی

طبع: جلد: امیر حسن زاده

حروف نگاری و صفحه آرایی: انتشارات گل آذین

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۷۹۰۰۰ تومان

لیتوگرافی و چاپ و صحافی: آدوین تبار

ISBN 978-622-6352-62-8

E-mail: gol_azin@yahoo.com

Website: www.golazinpub.com

Instagram: @golazinoub

Telegram.me/golazinpub

تهران، خ انقلاب، خ ابوریحان، پلاک ۶۱، واحد ۳

تلفکس: ۷-۶۶۹۷۰۸۱۶

برگرفته از تصویر «زنی با گردنبند مروارید» اثر آنتوان سوریوگین

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات گل آذین است. هرگونه اقتباس بدون مجوز

کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹	 میاسگری و قدردانی
۱۱	 مقدمه
۱۷	 پیشگفتار
۱۹	 چارچوب تحلیلی
۳۴	 پیشینه پژوهش
۵۱	 سازماندهی کتاب
	فصل نخست زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش مسئله‌ی زنان در ایران؛ از آغاز
۵۳	 عصر نوگرایی تا پیروزی انقلاب ۱۳۵۷
۵۴	 ۱-۱- مسئله‌ی زنان از آغاز عصر نوگرایی تا پایان قاجاریه
۹۵	 ۲-۱- مسئله‌ی زنان در دوره‌ی رضاشاه (۱۲۹۹-۱۳۲۰ش)
۱۰۰	 ۳-۱- مسئله‌ی زنان در دوره‌ی محمدرضاشاه
۱۱۷	 ۴-۱- انقلاب ۱۳۵۷ و مسئله‌ی زنان
۱۲۱	 ۵-۱- پیدایش تاریخ‌نگاری درباره‌ی زنان در ایران
	فصل دوم رویکردهای موجود و گفتمان‌های همبسته با آن‌ها در تاریخ‌نگاری
۱۲۷	 درباره‌ی زنان در ایران
۱۲۹	 ۱-۲- شرح حال‌نگاری درباره‌ی زنان
۱۳۵	 ۱-۱-۲- ارائه‌ی الگوی مطلوب از زن ایرانی
۱۳۵	 ۲-۱-۱-۲- گفتمان مذهبی سنت‌گرا
۱۳۷	 ۲-۱-۱-۲- گفتمان مذهبی نوگرا و نوگرایان مذهبی
۱۴۸	 ۲-۱-۱-۲-۳- گفتمان مدرن (عصر رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی)
۱۵۶	 ۲-۱-۱-۲-۴- گفتمان جمهوری اسلامی
۱۸۲	 ۲-۱-۲- شرح حال‌نگاری زنان برجسته
۱۸۴	 ۳-۱-۲- شرح حال‌نگاری مبتنی بر مفهوم تاریخ‌مذکر
۱۸۸	 ۴-۱-۲- شرح حال‌نگاری مبتنی بر تاریخ‌نگاری اجتماعی

۲-۲	تاریخ‌نگاری اجتماعی درباره‌ی زنان.....	۲۹۱
۲-۲-۱	تاریخ‌نگاری جنبش حقوق زنان در ایران.....	۲۹۲
۲-۲-۲	تاریخ‌نگاری مبتنی بر پیش‌انگاشت دوره‌ی مادر تباری.....	۲۹۵
۲-۲-۳	تاریخ از پایین.....	۲۹۵
۲-۲-۴	تاریخ‌نگاری سیاسی از منظر تاریخ اجتماعی.....	۲۹۷
۳-۲	تاریخ‌نگاری مبتنی بر تحلیل جنسیتی.....	۲۹۹
	فصل سوم نقد رویکردهای سه‌گانه در تاریخ‌نگاری درباره‌ی زنان	۲۲۷
۱-۳	زمینه‌های شکل‌گیری رویکردهای نوین در تاریخ‌نگاری.....	۲۲۷
۲-۳	زمینه‌های پیدایش و گسترش تاریخ‌نگاری درباره‌ی زنان.....	۲۳۹
۳-۳	رویکردهای عمده در تاریخ‌نگاری درباره‌ی زنان و نقد آنها.....	۲۴۲
	نتیجه‌گیری	۲۷۵
	پیوست‌ها	۲۸۳
	الف) کتاب‌های تالیفی.....	۲۸۳
	ب) ترجمه‌ها.....	۲۹۲
	پ) مجموعه‌های تاریخ شفاهی.....	۲۹۳
	ج) سمینارها (مجموعه مقالات و چکیده‌ی مقالات) و سخنرانی‌ها.....	۲۹۴
	د) مجموعه اسناد.....	۲۹۵
	ه) مقالات.....	۲۹۵
	ی) پایان‌نامه‌ها.....	۳۰۱
	فهرست مراجع	۳۰۹
	الف) فهرست مراجع فارسی.....	۳۰۹
	ب) فهرست مراجع انگلیسی.....	۳۱۸
	ج) فهرست روزنامه‌ها.....	۳۱۸

مقدمه

تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان و تاریخ‌نویسی زنان، هر دو پدیده‌هایی مدرن و نوظهورند. روند پیدایش و گسترش این پدیده‌ها متأخر است بر- و یا مقارن و همراه است با- روند پیدایش و گسترش «مسئله‌ی زن» و «جنبش حقوق زنان». در نظام تعلیم و تربیت قدیم (پیشامدرن) معرفت تاریخ به عنوان ماده‌ی درسی و آموزشی جایی نداشت. با استثناها کاری نداریم؛ از قالب غالب سخن می‌گوییم. در فکر و فرهنگ و تمدن قدیم نیز با مسئله‌ای به نام «مسئله‌ی زن» برخورد نمی‌کنیم. نقش سیاسی و اجتماعی زن و حق و حقوق زن و مفهوم زن بودن و زنانگی، به آن معنا که در عصر جدید پدیدار شد، در دوران قدیم جایی نداشت. شرایط امکان زایش زن، به عنوان متعلق و موضوع شناخت علمی و تأملات سیاسی و حقوقی در شناختان (اپیستمه) مدرن و در منظومه‌ی فکر و معرفت مدرن پدیدار شد. بنابراین مفهوم و گفتمان زنانگی، به عنوان پدیده‌ای مدرن و نوظهور را با مفهوم قدیم زن در هم نباید آمیخت. دوگانه‌ی مفهومی زن و مرد و دوگانه‌ی گفتمانی زنانگی و مردانگی، هر دو در نظام فکری مدرن پدید آمدند. در پی آن و در درون آن بود که شرایط امکان پیدایش و رشد و رواج تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان و تاریخ‌نویسی زنان به وجود آمد. در دنیای قدیم، نه از مورخان و تاریخ‌نویسان زن چندان خبری هست و نه از تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان و روایت نقش خاص آنان در روند تاریخ و رویدادهای آن. البته هر جا زنان نقشی بازی کرده‌اند، به درجات مورد توجه و اشاره بوده‌اند اما هیچ‌یک از

اینگونه اشارات را نمی‌توان در حکم تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان لحاظ کرد. این نکته شاید در وهله‌ی نخست، در حکم توضیح واقعات به نظر برسد اما اگر در ربط با پیدایش دوگانه‌ی مفهومی زن و مرد و دوگانه‌ی گفتمانی زنانگی و مردانگی مورد توجه قرار گیرد، اهمیت آن آشکار می‌شود. در پاره‌ای از منابع و متون قدیم، شماری از زنان برجسته و نامدار جایی ویژه و مستقل در ذیل روایت احوال مردان یافته‌اند اما این موارد خاص و استثنایی را نیز نمی‌توان با جریان تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان به معنای پدیده‌ای مدرن قیاس کرد. برای نمونه، در برخی از متون عرفانی و اولیاء نامه‌های قدیم، فصلی درباره‌ی زنان عارفه وجود دارد اما به آنان به عنوان زنانی استثنایی نگاه می‌شود که کارهای مردانه کرده‌اند و مردانه زیسته‌اند! در ادامه‌ی همین سنت بود که در روزگار جدید نیز کتاب‌هایی در شرح احوال زنان نامی و برجسته نوشته شد. کتاب‌هایی چون *خیرات حسان*، ترجمه و تألیف اعتمادالسلطنه و *الدره البیضاء فی مشاهیر النساء*، نوشته‌ی عبدالعلی مورخ السلطنه را می‌توان به عنوان نمونه یاد کرد. نمونه‌های متأخر دیگر عبارتند از: *زنان سخنور*، نوشته‌ی علی اکبر مشیر سلیمی؛ *کارنامه‌ی زنان مشهور ایران*، نوشته‌ی فخری قویمی؛ *زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران*، تألیف پری شیخ‌الاسلامی.

به این نکته هم باید توجه داشت که آموزشی شدن، تخصصی شدن، حرفه‌ای شدن و رشته‌ای شدن معرفت تاریخ و تاریخ‌نویسی، پدیده‌ای است متأخر و جدید. پیدایش تاریخ علمی و تبدیل آن به یک ماده‌ی درسی در نظام آموزشی و مهم‌تر، طرح آن به عنوان یک رشته‌ی تخصصی در نظام دانشگاهی، از شاخصه‌های مهم و معنادار فرهنگ و تمدن مدرن است. در نظام تعلیم و تربیت پیشامدرن و در منظومه‌ی فکر و معرفت قدیم، شرایط امکان چنین چیزی وجود نداشت اما یک نکته‌ی بسیار مهم و بامعنا این است که در مراحل آغازین این روند مدرن، تاریخ همچنان معرفتی مردانه و تاریخ‌نویسی

نیز همچنان کار و حرفه و فعالیتی خاص مردان شناخته می‌شد. روند شکست این انحصار و باز شدن راه ورود زنان به این عرصه، خود داستانی دراز و قابل تأمل دارد که شرح و بسط آن خارج از حوصله‌ی این مقال است. در اروپا و آمریکا، مراحل رخنه افتادن در دیوار این انحصار قدیمی و سنتی با مراحل رشد جنبش فمینیسم، تقارن و پیوندی معنادار داشته است. مطابق یک دیدگاه خام و کلیشه‌ای که در مراحل آغازین غالب بود، زنان در تاریخ نقش اساسی و محوری نداشته و اگر هم نقشی داشته‌اند، نقش آفرینی و حضور آنان همواره کم‌رنگ، منفعلانه و تابعی از نقش و حضور مردان بوده است. این دیدگاه، در تعبیر «تاریخ مذکر» یا «تاریخ مردانه» به بیان در می‌آمد. چنین روایتی، خیلی زود به عنوان روایتی مردانه یا مردمدارانه و ضد زن، مورد نقد و اعتراض قرار گرفت. منتقدان و مخالفان قلم به‌دست گرفتند تا تاریخی دیگر بنویسند و حضور اصیل و نقش اساسی و بنیادین زنان را اثبات کنند. به‌زعم آنان اگر تاریخ (۱) - تاریخ به‌مثابه‌ی هستی و جریان و رویداد - مردانه تلقی می‌شد، به این دلیل بود که تاریخ (۲) - تاریخ به‌مثابه‌ی علم و معرفت و گزارش و روایت - زیر سلطه‌ی مردان بود. قلم تاریخ مردمدار، زنان را از عرصه‌ی تاریخ بیرون می‌راند و تاریخ را در غیبت یا انفعال آنان به نگارش در می‌آورد. تاریخ‌نویسی مبتنی بر گفت‌وگو میان زنانگی موظف بود که این سلطه را براندازد. از سوی دیگر، برانداختن سلطه‌ی مردانه بر گذشته، شرط لازم برای براندازی مردسالاری در اکنون نیز پنداشته می‌شد. گونه‌ی افراطی تاریخ‌نویسی مبتنی بر زن‌باوری، بر پایه‌ی همان مفروضات تاریخ سنتی به میدان آمد و در حقیقت، تاریخ مردانه‌ای وارونه و معکوس بود؛ با همان ویژگی‌ها و همان آسیب‌ها و آفت‌ها؛ بنابراین، انتقادهایی مشابه را با خود به همراه داشت.

در چنین بستری بود که کسانی چون جون والاک اسکات، مورخ آمریکایی، تاریخ‌نگاری مبتنی بر تحلیل جنسیتی یا همان «تاریخ جنسیت» را

پیشنهاد کردند. تاریخ جنسیت، از دوگانه‌ی مفهومی زن و مرد و از گفتمان زنانگی و مردانگی رهاست و برخلاف آن‌ها، با اینگونه مفاهیم و گفتمان‌ها، ذات انگارانه برخورد نمی‌کند. در تحلیل جنسیتی، مفاهیم، تاریخمند هستند و مورخ می‌بایست شرایط هستی تاریخی - و نه جوهری و ثابت و لایتغیر - آن‌ها و کارکردهای تاریخمندان را درک و ایضاح کند. هویت‌های جنسیتی و روایت‌ها و تفسیرهایی که بر آن‌ها و با آن‌ها شکل می‌گیرند، برساخته هستند. چگونگی پیدایش و چند و چون نقش‌آفرینی و عملکرد آن‌ها را فقط در شبکه‌ی مناسبات قدرت می‌توان درک کرد. آماج تحلیل جنسیتی، بر پایه‌ی روش تبارشناسی میشل فوکو و فهم و شناخت تاریخ اکنون است. در این رویکرد، پرسش محوری این است: اکنون چرا اینگونه است که هست؟ مورخ فوکویی در پی کشف سرچشمه‌های آغازین و علت‌العلل‌ها نیست؛ از تک عامل بینی می‌پرهیزد؛ به صورت‌های ممکن یا امکانی باور دارد، نه به رویدادها و پدیده‌های محتوم و معین؛ تعیین‌باوری و موجبیت‌گرایی و غایت‌گرایی را خلاف سرشت نامتعیّن تاریخ می‌داند؛ فهم تاریخی، خود تاریخمند است و سیال و پویا. در این رویکرد، حقیقت و باور به امکان کشف آن، افسانه‌ای بیش نیست و در زمره‌ی خرافات مدرن به شمار می‌آید. حقیقت، یافته نمی‌شود. ساخته می‌شود و در این ساخته شدن، پای اراده‌ی معطوف به قدرت و اراده‌ی معطوف به دانستن و شناختن در میان است. پس باید در بسیاری از آنچه که بدیهی و طبیعی انگاشته و پنداشته می‌شود، شک کرد؛ از جمله بدیهی و طبیعی پنداشتن مفهوم زن و مرد و زنانگی و مردانگی. در پس این مفاهیم، نه ذوات و جوهرهای فراتاریخی ثابت و لایتغیر وجود دارند و نه فرجام و غایت از پیش معین و محتوم. این‌ها واقعیت‌هایی تاریخی (تاریخمند) هستند که به جای حقایق ازلی و ابدی چیره شده‌اند و تبارشناسی با ایضاح وجه تاریخمند آن‌ها، راه تغییر آن‌ها را می‌گشاید. در این رویکرد، فرضیه‌ی قدرت متمرکز،

یک‌سویه و تماماً سرکوبگر نیز زیر سؤال می‌رود. قدرت چیزی است پراکنده، متکثر، چندسویه و آفریننده؛ و چنین است دانش و تفسیر و روایتی که با آن و در آن تولید می‌شود: دانش/ قدرت، حقیقت/ قدرت. دانش و روایت تاریخی را نیز این چنین باید به تحلیل نشست. از این جایگاه، حقیقت تاریخی مجرد و منتزع از قدرت وجود ندارد. عینیت باوری چه به معنای پیشاکانتی و چه به معنای کانتی آن، خیالی بیش نیست. تفسیرها و روایت‌هایی که به عنوان روایت‌های عینی و بی‌طرفانه غالب می‌شوند، جز در شبکه‌ی مناسبات قدرت معنایی ندارند و روال تولید و پذیرش یا ردّ و طرد آن‌ها را باید با منطق تحلیل گفتمان شناسایی کرد. اسکات بر پایه‌ی چنین دیدگاهی به انتقاد از «تاریخ زنان» می‌پردازد و «تاریخ‌نگاری مبتنی بر تحلیل جنسیتی» را به جای آن پیشنهاد می‌کند. در کتاب حاضر، نویسنده، این چارچوب نظریه‌ای/ مفهومی را به دقت شرح داده است. بنابراین به همین اشارات بسنده می‌کنیم.

تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان و تاریخ‌نویسی زنان در ایران، تابعی است از وضعیت تاریخ‌نویسی به‌طور کلی و آن نیز تابعی است از اوضاع و احوال عمومی کشور و در ربط است با اوضاع و احوال دیگر حوزه‌ها در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی. نقد و بررسی معرفت/ رشته‌ی تاریخ، یکی از کارهای بسیار بایسته است و وظیفه‌ای است اساسی و البته دشوار که پیش روی اصحاب تاریخ و دیگر رشته‌های علوم انسانی قرار دارد. متأسفانه، جامعه‌ی فکری و علمی ایران، در این باره چنانکه باید و شاید کار نکرده است. بنابراین آشناری چون کتاب حاضر، ارزش و اهمیتی ویژه دارند. در یکی دو دهه‌ی اخیر، مطالعات زنان و تاریخ‌نویسی درباره‌ی زنان رشد و گسترش قابل توجهی داشته است. آنچه در این میان به درجات، مغفول مانده است، ملاحظات انتقادی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است. نویسنده‌ی اثر حاضر به نوبه‌ی خود گامی در زدودن این غفلت برداشته است. دقت و هوشیاری نویسنده در حوزه‌ی

مباحث نظریه‌ای / مفهومی ستودنی است. چارچوب روشی و نظریه‌ای و مفهومی این کتاب، محکم و استوار است. مسئله‌ی پژوهش به گونه‌ای دقیق و روشن بیان شده است. پیشینه‌ی پژوهش به خوبی به شرح آمده است. ساختار و فصل‌بندی کتاب نیز، هم جامع است و هم مانع. مباحث مندرج در کتاب. انسجام و پیوستگی دارند. کتاب از حشو و زوائد خالی است. نتیجه‌ی پژوهش نیز که در حقیقت، فراخوانی است برای گذار از تاریخ زنان و روی آوردن به تاریخ‌نگاری مبتنی بر تحلیل جنسیتی، موجه و پذیرفتنی است. در مجموع، اثر حاضر به معنی دقیق کلمه، نوآورانه است، رهگشاست و گامی است به پیش.

دکتر داریوش رحمانیان

عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران